

در نهی از معاشرت با اشرار و مظاهر شیطان

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



کتاب گنجینه حدود و احکام باب هفتم - صفحه 447

باب هفتم

در نهی از معاشرت با اشرار و مظاهر شیطان

در کلمات مبارکه مکنونه میفرماید قوله تعالی: "ای پسر من، صحبت اشرار غم بپزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزاید من اراد ان یانس مع الله فلیانس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسع کلمات اصفیائه." "زینهار ای پسر خاک، با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسابان تبدیل نماید." "ای پسر کنیز من، اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده‌اند و قلب مردگانرا چون صبح صادق زنده و منیر و روشن نمایند." و در لوح دیگر میفرماید قوله تعالی: "بسا از نفوس که خود را بحق نسبت داده و سبب تضحیح امرالله شده‌اند اجتناب از چنین نفوس لازم...."

در لوح حکیم داود از قلم مرکز میثاق جلّ ثنائه نازل قوله العزیز: "ای بنده حقّ، مکتوب شما رسید و بر مطلب اطلاع حاصل شده. در خصوص معاشرت با سایر ادیان سؤال نموده بودید بنصّ کتاب اقدس عاشروا الادیان بالروح و الریحانست. مقصد از این بیان آنست که اهل بهاء با هیچ طایفه غرض و مرضی نداشته باشند با کلّ محبت حرکت نمایند و تنجیس نمایند و اجتناب نکنند. و همچنین در الواح الهی میفرماید لا تکونوا مع الذین



ORIGINAL

قاسية قلوبهم عن ذکر الله از آن آیه مقصود این نیست که با نفوسیکه در نهایت بغض و عداوتند و در غایت ضلالت و جهالت و جمیع اذکارشان القاء شبهات و ارتیاب در امر ربّ الآیات بقسمیکه شب و روز بطعن مشغول و بالقاء شبهات مألوف و بغضشان ظاهر با آنها شب و روز مألوف شوید و معاشرت و الفت کنید بلکه مراد معاشرت با نفوسی است که از آنها مضرت حاصل نشود. مثلاً بسیار ملاحظه شد که نفوسی در نهایت محبت و انجذاب و روح و ریحان بوده با طبیعیون و اهل فسق الفت و معاشرت نمودند بکلی عاقل و باطل گشتند حتی در ارض مقدّس یک دو جوان را پروتستانها بعنوان تعلیم لسان بخانه خویش بردند و بعضی اسباب نامشروع مثل معاشرت نسوان فراهم آوردند نزدیک بود که بکلی آنانرا بواسطه این وسایل منحرف نمایند. این عبد منع نمود بلکه از عکا بجای دیگر فرستاد. در این مقام لا تکنوا مع الذین قاسية قلوبهم عن ذکر الله. با وجود این ما کسی را منع نکردیم از معاشرت کسی جز این قبیل ولی حضرات ناقضین منع کردند بلفظ میگویند عاشروا الادیان بالرّوح و الریحان اما بعمل طفل پنجساله را نمیگذارند نزدیک ما بیاید مگر نفوسی را که مطمئن هستند که در غلّ و بغضا بدرجه ای هستند ولو تأتیهم بکلّ آیه لن یؤمنوا بها. ای بنده الهی اطفال را باید از مجالست اقران سوء اهل نفس و هوی محافظت نمود زیرا سوء اخلاق سرایت نماید و این مانع از عاشروا الادیان نیست."

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح عمومی امریکا میفرماید قوله جلّ ثنائه: ".... جہالمبارک در جمیع الواح و رسایل احبّای ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد باب منع فرمود که نفسی نزدیکی بآنان نکنند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فوراً هلاک میکند. از جمله در کلمات مکنونه میفرماید مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار. و خطاب باحبّاء میفرماید که معلوم آنجناب بوده که زود است شیطان در قبیض انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبّای جمال سبحان را بوساوس نفسیه و خطوات شیطانیّه از صراط عترّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطی قدس سلطان احدیه محروم نماید. این است از خبرهای مستوره که اصفیاء را بآن آگاه فرمودیم که مبدا بمجالست آن هیاکل بغضیه از مقام محمود ممنوع شوند. پس بر جمیع احبّاء الله لازم که از هر نفسیکه رائحه بغضا از جمال عترّ ابهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگر چه بکلّ آیات ناطق شود و بکلّ کتب تمسک جوید الی ان قال عترّ اسمہ پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبدا بدام تزویر و حیلہ گرفتار آیند. این است نصیح قلم تقدیر. و در خطاب دیگر میفرماید پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرایت کننده است و در خطاب دیگر میفرماید ای کاظم چشم از عالمیان بیوش و ماء حیوان عرفانرا از ید غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیّه بر مراصد صراط عترّ احدیه جالسند و ناسرا بکلّ حیل و مکر منع مینمایند و زود است که اعراض اهل بیانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی. و در خطاب دیگر میفرماید بسیار در حفظ نفس خود سعی نمائید چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود وا گذارند. و در خطاب

دیگر میفرماید هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگر چه بزهد اولین و آخرین ظاهر شود و یا بعبادت ثقلین قیام نماید. و همچنین در خطابی دیگر میفرماید ای مهدی جمع باینکلمات مطلع شده از مظاهر سجّیّه و مطالع نمرودیّه و مشارق فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبّیه اعراض نمائید. و همچنین میفرماید قل ان یا احبائى ثمّ اصفیائی اسمعوا نداء هذا الحیب المسجون فی هذا السّجن الا کبر ان وجدتم من احد اقلّ من ان یحصی روائح الاعراض فاعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه تا آنکه میفرماید لآتهم مظاهر الشّیطان. و در خطابی دیگر میفرماید و بمنظر اکبر ناظر باشید عنقریب روائح منتنه خبیثه بر آن دیار مرور نماید انشاء الله در آن ایام محفوظ مانید. و همچنین میفرماید صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزاید من اراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسمع کلمات اصفیائه. و همچنین میفرماید با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسابان تبدیل نماید. اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند. و همچنین میفرماید رأس الذلّه هو الخروج عن ظلّ الرّحمن و الدّخول فی ظلّ الشّیطان....." الخ

(این لوح مبارک بسیار مفصّل و تمام آن راجع بهمین موضوع است)